

شهین - کامران مقدم

معلم دانشسرای عالی



ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید بن خالد (۱) ابطری الطبری از مشایخ مورخان
است . در تفسیر و حدیث و فقه و شعر و لغت و سایر علوم و فنون دست داشته
و از ائمه زمان خود بشمار میرفته است .

(۱) در بعضی از منابع بجای یزید بن خالد کثیر بن غالب آورده شده
است .

ابن الندیم در کتاب الفهرست تولدش را ۲۲۴ ه.ق در آمل و وفاتش را در ۳۱۰ ه.ق در بغداد نوشته است .

ابو اسحاق شیرازی در کتاب طبقات فقهاء وی را یکی از مجتهدان عصر بشمار می‌آورد . یاقوت حموی در کتاب خود شرح حال او را از دو کتاب که یحیی را پسر او عبدالعزیز بن محمد طبری در تذکره حال پدرش و دیگری را ابو بکر بن کامل از شاگردان او در شرح حال استاد خود نوشته‌اند و همچنین از مدارک دیگر بطور خلاصه نقل کرده است .

در ریحانة الادب از قول ابن خزیمه گوید: «در تمامی روی زمین اعلم از او سراغ ندارم»

طبری مقدمات علوم را در آمل مازندران بیاموخت و سپس به ری سفر کرد این کامل گوید : که طبری در شهر ری بفرار گرفتن دانش آغاز کرد و بیشتر فنون اسلامی را از محمد بن حمید رازی (۱) فرا گرفت و خاصه علم حدیث را نزد وی بیاموخت و ضمناً در مجلس درس احمد بن حماد دولابی حاضر میشد . پس از آن در پی کسب دانش ببغداد سفر کرد و بعد بشهر واسط و بصره رفت و احادیث فراوان از علما و محدثان آن بلاد فرا گرفت سپس ببغداد بازگشت و بتحصیل علم تفسیر قرآن و فقه پرداخت و در سال ۲۵۳ بمصر و شام سفر کرد و همه جا بتحقیق و تتبع مشغول بود، و پس از سفرهای چندی سرانجام به بغداد بازگشت و در محله قنطرة البردان ساکن شد و تا آخر عمر در بغداد بود .

در بدایت حال شافعی مذهب بوده و سپس ترکش گفته و خود مسند مذهب مستقلی در قبایل مذاهب اربعه ایجاد کرده که آن مذهب بنام پدرش جریبیه خوانده شد و جمعی وافر تابع وی گردیدند و در بسط و نشر مسلك خود کتابها تألیف کرد اما مسلك وی بطور کلی در نیمه قرن پنجم هجری منسوخ گشت

تألیفات متنوعه او در موضوعات مختلفه برهانی قاطع بر تبحر فضلی و احاطه علمی وی میباشد .

طبری مردی آزاده و صریح القول بود و بقناعت بسر میبرد و امرار معاش او ازدهی بود که در طبرستان از پدرش وارث مانده بود .

از وقایع روزگار طبری اختلاف او با اصحاب امام حنبل است وی در کتاب اختلاف الفقهاء خود نامی از امام حنبل نیاورد. وقتی علت این مسامحه را از او پرسیدند گفت: «وی فقیه نبوده بلکه از مجددان بشمار میرود» حنا بله را این سخن گران آمد و طبری را ملحد و کافر و رافضی دانستند سیوطی مینویسد: طبری حافظ کتاب خدا و بینا به معانی آن و فقیه در احکام قران بود و باحوال صحابه و تابعان آشنائی کامل داشت وی به دانشهائی احاطه داشت که در عصر وی او راهمتهائی نبود .

و مسعودی مینویسد علوم فیهان بلاد و عالمان سنت و اخبار به طبری منتهی میشود .

در معجم الادباء یا قوت حموی مینویسد: «کسی گفت او را شب دفن کردند که متهم به تشیع بود»

و در وفیات الاعیان ابن خلیکان مینویسد: «در مصر قبری را دیدم که زیارت میشد و بالای آن سنگی بود که رویش نوشته شده بود او پیشوای فنون مختلفی بود در تفسیر و... و... و... از جمله پیشوایان دین بود که از هیچکس تقلید نکرده است. (۱)

طبری از نویسندگان دانشمند و پرکار بود و کمتر کسی از علمای اسلام باندازه او کتاب نوشته است .

روزی طبری از شاگردان خود پرسید آیا از تفسیر لذت میبرید ؟
سؤال کردند اوراق آن چه قدر خواهد شد ؟ گفت سی هزار ورق یعنی ۶۰

(۱) نسبت این مطلب به طبری بعید بنظر میرسد .

هر از صحیفه . گفتند این مقدار عمر آدمی را بپایان میرساند پیش از آنکه خواندن آن پایان یابد . پس طبری در ۳ هزار ورق مختصر کرد . پس از آن پرسید . آیا از تاریخ عالم از زمان آدم تا این دوران لذت میبیرید ؟ گفتند اورا قش چه اندازه خواهد بود . طبری عیناً آنچه را که در مورد تفسیر گفته بود تکرار کرد آنها همان گفتار را پاسخ دادند ، طبری گفت درینا که همتها مرده است پس از آن تاریخ را چون تفسیر مختصر کرد .

یا قوت حموی در معجم الادباء مینویسد که محمد جریر طبری در مدت چهل سال عمر خود هر روز چهل ورق نوشت . و ابو محمد فرغانی شاگرد او که ذیلی بر کتابش هم نوشته (۱) گوید جمعی از شاگردانش مدت عمر او را از تولد تا مرگ حساب کردند و بر اوراق مصنفاتش تقسیم نمودند بهر روز چهارده ورق رسید .

مهمترین آثار طبری عبارتست از :

۱- جامع البیان فی تفسیر القرآن که به تفسیر طبری معروف و در قاهره چاپ شده است و در روزگار منصور بن نوح سامانی بفارسی ترجمه شده است از شاهکارهای نشر فارسی است که توسط آقای دکتر مهدوی و تصحیح آقای حبیب یغمائی جزو انتشارات دانشگاه چاپ شده است .

۲- تاریخ الامم و الملوک یا اخبار الرسل و الملوک یا تاریخ کبیر از آغاز خلقت تا ۳۰۲ هجری یعنی ۸ سال پیش از درگذشت مؤلف است اسلوب کتاب سالنامه نویسی است یعنی وقایع سنوات را چنانکه موافق روایات باو رسیده مرتباً یکی بعد از دیگری ضبط کرده نوشته های او راجع بایران قدیم در زمینه داستانهای ماست ولی راجع بدوره ساسانی حاوی اطلاعات زیاد و مفیدی است . مضامین و تألیفات او را که راجع بدوره ساسانیست ند که آلمانی بضمیمه تتبعات خود بطبع رسانیده است .

تاریخ طبری در سال ۳۵۲ ه.ق توسط ابوعلی محمد بلعمی از وزرای

سامانی بفارسی ترجمه شده و این اقدام بفرمان منصور بن نوح صورت گرفته است ابوعلی در مقدمه کتاب خود گوید :

« بدانکه این تاریخ نامه بزرگست گردآورده ابی جعفر محمد بن جریر یزیدالطبری رحمه الله که ملک خراسان ابومالح بن نوح فرمان داد دستور خویش را ابوعلی محمد بن محمد بلعمی را که این تاریخ نامه را که از آن پسر جریر است پاری گردان هر چه نیکوتر چنانکه اندروی نقصانی نباشد ، پس گوید چواندروی نگاه کردم و بدیدم اندروی علمای بسیار و حجتها و آیتهای قرآن و شهرهای نیکو ، و اندروی فایدهها دیدم بسیار ، پس رنج بردم و جهد و ستم بر خویشتم نهادم و اینرا پاری گردانیدم بفیروی ایزد عزوجل»

این کتاب برای اولین بار در ۱۸۷۶ - ۱۹۰۱ در لیدن توسط دخویه de - Goye بیاری چند تن مستشرق بزبان لاتین بطبع رسید وهمچنین در ۱۹۰۶ در مصر بطبع رسیده ودر ۱۲۶۰ بترکی هم ترجمه شده است .

H.zotenberg ازوتنبرک این کتاب را از روی ترجمه فارسی (۱) آن در چهارجلد ترجمه و درپاریس انتشار داد . همچنین نولدکه Noldeke مستشرق بزرگ آلمانی قسمت ساسانیان آنرا از عربی به آلمانی ترجمه ودر ۱۸۷۹ در لیدن منتشر کرد .

کلیه مورخین اسلام از تاریخ طبری برای نوشتن کتب تاریخ خویش استفاده کرده و بعضیها حاشیه و ذیلی هم بر آن نوشته اند .

ابن ندیم در کتاب الفهرست خود میگوید « ابواسحاق بن محمد بن اسحاق بمن گفت که شخص موثقی برایم نقل کرد که ابوجعفر طبری رادره مصر دیده که بروی شعر طرماح یا حطیئه میخواندند و من بخط او کتابهای زیادی در لغت و نحو و شعر و قبائل دیده ام ، در فقه و مذهب رویه مخصوص بخود داشت و کتابهایی در آن تألیف کرد از آنجمله کتاب اللطیف که مشتمل بر چندین کتاب بود کتاب البسیط فی الفقه که باتمام نرسانده و از آنها این کتابها در دست مردم است .

کتاب الشروط الکبیر - کتاب المحاضر والسجلات - کتاب الوصایا - کتاب ادب القاضی - کتاب الطهاره - کتاب الصاوة - کتاب الزکوة - کتاب القرآت - کتاب الخفیف در فقه که نازکست - کتاب المسترشد .

کتاب تهذیب الآثار که پایان نرسانید در حدیث و همچنین کتاب الاعتقاد .

کتاب العلماء یا اختلاف الفقهاء که در اختلاف فقهای عامه در مسائل فقهیه نوشته شده این کتاب در مصر چاپ شده است .

در ریحانة الادب از کتب دیگری که توسط طبری تألیف شده نام میبرد از آن جمله :

تاریخ الرجال من الصحابة والتابعین - خبر غدیر خم یا طرق حدیث الغدیر - الرد علی الحر قوصیة - طرق حدیث الطیر - القرانات -

منابع و ماخذی که در تنظیم این شرح حال مورد استفاده قرار گرفته است :

- | | | | |
|--------------------------------|-------------------------|------------------------|-------------------|
| دائرة المعارف اسلامی | انگلیسی | جلد ۲۱ | ص ۷۲۸ |
| وفیات الاعیان | ابن خلکان | جلد ۳ | ص ۵۴۲ |
| فرهنگ | دهخدا | | ص ۱۴۳ |
| ریحانة الادب | محمد علی (مدرس) تبریزی | جلد ۳ | ص ۲۳ |
| ایران باستان | پیرنیا | جلد ۱ | ص ۱۰۱ |
| تاریخ بلعمی | محمد بلعمی | ترجمه تاریخ طبری | ص ۵-۸۲ |
| تاریخ طبری | محمد جریر طبری | | |
| مقدمه بر تاریخ طبری | دکتر مشکور | | ص ۱۱-۲۶ |
| کشف الظنون | حاج خلیفه | جلد ۱ | ص ۲۹۸ |
| مجموع التواریخ والقصص | تصحیح مرحوم ملک الشعراء | بهار طبع تهران | ص ۱۸۰ |
| مجمع الادباء | یاقوت حموی | جلد ۱۸ | ص ۴۰-۹۴ |
| الفهرست ابن ندیم - عربی، فارسی | (ترجمه فارسی تجدید) | ص ۴۰ | ص ۴۲۴-۴۲۷ |
| طبقات المفسرین | سیوطی | ص ۱۴۵ | ص ۲۳۴ چاپ - بیروت |
| مروج الذهب | مسعودی | ترجمه ابوالقاسم پاینده | جلد ۱ ص ۶ |
| مجالى الاسلام | ریوار (حیدر بامات) | ترجمه عادل (زعیتر) | نچاپ قاهره |
| مجله دانش | سال اول | شماره ۹۰۸ | سال ۱۳۲۷ |
| تاریخ ادبیات ایران | ادوارد براون | ترجمه علی پاشا صالح | جلد اول |
| | | | ص ۱۶۷ |
| سبک شناسی | محمد تقی بهار | جلد دوم | چاپ سوم ص ۸-۱۰ |
| آداب اللغة | جرجی زیدان - عربی | جلد دوم | ص ۱۹۷-۱۹۹ |
| مجمع المطبوعات العربیة | ج ۲ | ص ۱۲۲۹-۱۲۳۰ | والاعلام الزرکلی. |